

توصیه‌های یک پیر



۴- بعد از پایان جنگ تحمیلی، کارهای بزرگی در کشور شده است و افق‌های روشن آن‌ها به تدریج در حال ظاهر شدن است که در این میان دشمن مکار می‌خواهد با ترفند و حيله‌هایی که این روزها به کار می‌برد، جلوی این پیشرفت را بگیرد؛ اما مسؤولان و ملت اجازه نمی‌دهند.

۵- بیداری اسلامی، خون تازه‌ای در رگ‌های ملت ایران جاری کرد. مردم با رهبری امام بزرگوار بساط دیکتاتوری را از کشور برچیدند، آمریکا را بیرون کردند و بر سر نوشت خود مسلط شدند.

۶- افزایش فشارهای اقتصادی و سیاسی، تأثیری در عزم و اراده ملت ایران نخواهد داشت؛ زیرا نتیجه فشارهای اقتصادی در سال‌های گذشته، شکوفایی استعدادها و اتکاء به خود بود و فشارهای سیاسی نیز با حضور ملت در صحنه بی‌اثر خواهد شد.

۷- ملت بزرگ ایران باید همچون بیست و پنج سال گذشته بامستحکم کردن اراده، وحدت، حضور خود، مسیر پر افتخار انقلاب اسلامی را بپیماید.

۸- مجلس هفتم از زاویه چشم‌انداز بیست ساله کشور نیز اهمیت خاصی می‌یابد، چرا که اولین گام به سوی این چشم‌انداز از افق روشن در مجلس هفتم برداشته خواهد شد و همین امر انتخابات جمعه آینده را دارای اهمیت بیشتری می‌کند.

۹- تنها راه مقابله با دشمنی‌ها و بی‌اثر کردن آن‌ها، ایستادگی ملت، تمسک به آرمان‌ها و اصول، حضور در صحنه است.

۱۰- ملت ایران اراده کرده مستقل بماند و با تکیه بر ایمان و روحیه مجاهدت خود، این مسیر را در طی بیست و پنج سال گذشته با موفقیت طی نموده و در آینده نیز با استحکام بیشتر از این راه را قدرتمندانه ادامه خواهد داد.

۱۱- زمان یأس دشمنان هنگامی خواهد بود که احساس کنند، روند تحرک و تقویت خویش و عزم مستقل ماندن در جمهوری اسلامی توقف‌ناپذیر است.

۱۲- شرکت در انتخابات، بارزترین مظهر حضور مردم در صحنه پشتوانه عظیم انقلاب و کشور است و می‌تواند همچون سنگری مستحکم، سر نوشت ملت و کشور را از هر آسیبی مصون سازد و دشمنان را از تعریض و گستاخی باز دارد.

پی نوشت:

۱. بحار، ج ۱، ص ۲۱۹

شرط اینکه انسان بر سر نوشت خود و نیز بر جامعه خود مسلط باشد، شرط اصلی و اساسی، تفکر است. این تفکر چیزی است نظیر «محاسبه النفس». یعنی انسان باید در شبانه‌روز فرصتی برای خودش قرار بدهد که در آن فرصت، خودش را از همه چیز قطع کند و به اصطلاح نوعی درون گرایی نماید به خود فرو رود و دوباره خود را موضوع خود و تصمیماتی که باید بگیرد و کارهایی که باید انجام دهد و آنچه که واقع شده، انسان باید کارهای خود را در گذشته ارزیابی کند؛ دوستانی را که با آنها معاشرت داشته و دارد، ارزیابی کند؛ کتاب‌هایی را که مطالعه کرده است ارزیابی کند. انسان باید درباره همه انتخابات‌های آینده‌اش بیندیشد. حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرمایند: «عمر کوتاه است و علم زیاد (یعنی آموختنی‌ها زیاد) پس از هر علمی آن خوبی‌هایش را بگیرد و زیادی‌هایش را رها کنید».^(۱) حتی در کتاب خواندن نیز انسان باید انتخاب داشته باشد. بدیهی است که انتخاب بدون فکر معنی ندارد. روی کارهایش شخصی خود فکر کند که چه اثری روی او گذاشته و چه نصیب و بهره‌ای از آنها برده است. مهتر، هرکاری که می‌خواهد درباره آن تصمیم بگیرد. اول فکر بکند بعد تصمیم بگیرد. یعنی این که به عکس العمل‌ها و لوازم آن کار فکر کند و که این کار چه اثری به دنبال خود می‌آورد؟ چه عکس العمل‌هایی ایجاد می‌کند؟ مرا به کجا خواهد کشاند؟ و عاقبت آن چیست؟ پس بیاید در انتخاب‌هایمان با فکر پیش رویم. تا بعداً پشیمان نشویم.

۱- حضور مردم در انتخابات، نشان می‌دهد که ملت صاحب دولت، مجلس و همه مسؤولان است، که این پدیده بسیار مهم همچون سنگری مستحکم، کشور و نظام را در مقابل توطئه‌ها حفظ می‌کند و دشمنان مردم و ایران را به هراس می‌اندازد.

۲- اگر انتخابات و مردم‌سالاری دینی در ایران وجود نداشت و اراده‌های جوشان مردم در میدان‌های مختلف، تجلی نمی‌یافت، انقلاب و نظام، حتی یک سال هم در مقابل توطئه‌های دولت‌های سلطه‌طلب دوام نمی‌آورد.

۳- در نظام اسلامی، ما مسؤولان خدمتگزار و نوکر مردم هستیم و اعتبار و آبروی خود را از خدمتگزاری به مردم کسب می‌کنیم و مسؤولان نظام هیچ حقی به گردن مردم ندارند، بلکه زیر دین مردم هستند و همین روحیه خدمتگزاری به مردم باعث شده است که انقلاب و نظام، بیست و پنج سال در مقابل دشمنان حيله‌گر بایستد و اگر کسی این روحیه را از دست بدهد و یا تضعیف کند، به ملت خیانت کرده است.